جام جم
نوجوان
۱۴۵
ضمیمه نوجوان | پنجشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۲ |

معاون ضمائم: احسان رستگار
اسامی شهروندان ساکن در جزیره نوجوانه به ترتیب تاریخ ورود به جزیره و صدور روادید شهروندی:
حسین شکیب‌راد، زهرا قربانی، سید سپهر جمعه‌زاده، عطیه ضرابی، امیرحسین علی نیافر، فاطمه کریمی، محمد طائب، طهورا روستا، مهیار گل‌محمدی و مریم شاه‌پسندی.
با تشکر از گروه هنری جزیره: مدیر هنری: حمیدرضا خاتونی گرافیست: احسان نوری نجفی، محمد طائب
صفحه‌آرا: محمد لوری آبکنار ویراستار: همایون بیات

شناسنامه
تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
JAMEJAM.NEWS
کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
info@jamejamdaily.ir

تذکره

فیلسوف شرق

تذکره



سیدسپهرجمعه‌زاده
نوجوانه



آن دانشمند زیاددان، آن همه‌چیزدان، آن همشهری سعدی و حافظ، آن‌که نداشت محافظ، آن شهریار دانش‌وفکر، آن اهل عرفان و ذکر، آن عقل‌مند عقل‌گرا، آن باصفا، آن مرد معقول، آن جامع منقول، آن مولف کتب قطور، آن مربی شاگردان فکور، آن پرآوازه در جهان فلسفه، آن بی‌نسبت با سفسطه، آن‌که نمی‌کرد مغلطه، آن‌که می‌خورد کته، آن فرزند وزیر شیرازی، آن‌که نمی‌کرد بازی، از آن‌دست مردم بود که اگر نبود جهان فکر و دانش چیزی کم داشت.

می‌گویند روزی ملاصدرا در کنار حوض پرآب مدرسه درس می‌داد. غفلتا فکری به خاطرش رسید و رو به شاگردان کرد و گفت: «آیا کسی می‌تواند ثابت کند آنچه در این حوض است آب نیست؟»

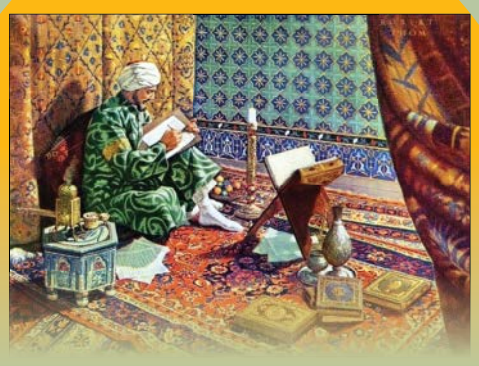
چند نفر از طلاب زبردست مدرسه با استفاده از فن جدل که در منطق ارسطو شکل خاصی از قیاس است و هدف عاجز کردن طرف مناظره یا مخاطب است نه قانع‌کردن او، ثابت کردند که در آن حوض مطلقا آب وجود ندارد و از مایعات خالی است.

ملاصدرا با تبسمی رندانه مجددا روی به طلاب کرد و گفت: اکنون آیا کسی هست که بتواند ثابت کند در این حوض آب هست؟ یعنی مقصود این است که ثابت کند حوض خالی نیست و آنچه در آن دیده می‌شود آب است.

شاگردان از سؤال مجدد استاد خود ملاصدرا در شگفت شده جواب دادند که با آن صغری و کبری به این نتیجه رسیدیم که در حوض آب نیست، حال نمی‌توان خلاف قضیه را ثابت کرد و گفت که در این حوض آب هست.

فیلسوف شرق چون همه را ساکت دید سرش را بلند کرد و گفت: «ولی من با یک وسیله و عاملی قوی‌تر از دلایل شما ثابت می‌کنم که در این حوض آب وجود دارد.» آن‌گاه در مقابل چشمان حیرت‌زده طلاب، کف دو دست را به زیر آب حوض فرو برد و چند مشت آب برداشته به سر و صورت آنها پاشید. همگی برای آن‌که خیس نشوند از کنار حوض دور شدند. فیلسوف عالی‌قدر ایران تبسمی بر لب آورد و گفت: «همین احساس شما در خیس‌شدن بالاتر از دلیل است.»

او متولد شیراز است اما در اصفهان، پایتخت صفویان آموزش دید و نزد میرداماد و بهاءالدین عاملی تحصیل کرد. پس از پایان تحصیلات رسمی به روستایی نزدیک قم بازنشسته آمد و ۱۰ سنه در آن مکان به زهد و تهذیب نفس برآمد. سپس به خواست شهریار ایران به‌عنوان استاد در مدرسه ا...وردی خان به شیراز بازگشت. دانشمند و حکیم بزرگ و درس‌خوانده‌ای بود. در حدیث و تفسیر و فلسفه و عرفان نوآور بود اما به‌علت آرای جدیدش، مصائب گوناگونی متحمل می‌شد. فشار رقیبان و کسانی که از سر جهل تحمل شنیدن صدایش را نداشتند باعث شد چندین بار مجبور به ترک شهر آبا و اجدادی‌اش شود. بیش از ۵۰ عنوان کتاب نوشت که بیشتر آنها پس از ترک اعتکاف معنوی خود بود. بیشتر کتاب‌های او به زبان عربی است. آثار او را می‌توان در دسته‌هایی طبقه‌بندی کرد که عمدتا به دین می‌پردازند، مانند تفاسیر او بر قرآن و اصول کافی کلینی و آنهایی که بیشتر به فلسفه و حکمت می‌پردازند. در دسته اخیر، مهم‌ترین آنها «الحکمه الاسفار الاربعه» است. اثری با ابعاد عظیم و پیشرفته‌ترین اثر در فلسفه اسلامی. ملاصدرا همچنین تعداد زیادی رساله کوتاه‌تر مانند «المشائر و الشواهد الربوبیه» نوشته است. در آثار مألوفه، فلسفه مشائی مسلمین، به‌ویژه در فلسفه ابن سینا، نظریه اشراقی شهاب‌الدین سهروردی، عقاید عرفانی محی‌الدین‌بن‌عربی و برخی مضامین الهیات مسلمانان (کلام) یکی شد؛ پیشینه تشیع و تعالیم ائمه شیعه. اما فلسفه ملاصدرا به‌جای التقاطی، ترکیبی است، زیرا او از میان این رشته‌های مختلف، دیدگاه فکری جدیدی ایجاد کرد که در آن عقل، وحی و بینش عرفانی در یک دیدگاه کلی و یکپارچه نسبت به مسائل هماهنگ شده است.



ملاصدرا تلاش متفکران مسلمان از آغاز قرون وسطی را برای هماهنگ‌کردن دین و فلسفه به ثمر رساند. در اندیشه او اصول وحی، حکم عقل و حقایق عرفانی که از طریق اشراق کشف می‌شوند، همگی منابع ممکن معرفت تلقی و با هم آمیخته می‌شوند. نوشته‌های او درواقع پل معرفت گفتمانی و شهودی را با اکتشافات عقل، زمینه‌ای لازم برای معرفت معنوی قرار می‌دهند که بالاتر از عقل است بدون این‌که غیرعقلانی باشد. ملاصدرا همچنین بسیاری از اصول فلسفه مشاء و اشراق را مورد بازنگری قرار داد و فلسفه را براساس مجموعه‌ای از اصول، که بسیاری از آنها به این صورت اثبات نشده بود و در فلسفه وجود نداشت و برگرفته از تصوف است، تثبیت کرد. این اصول شامل وحدت، درجه‌بندی، و اصالت هستی است و به این معناست که هستی است و نه ماهیت. علاوه‌براین، هستی در باطن به‌عنوان یک واقعیت واحد که دارای حالات و درجه‌بندی است، متحد می‌شود. ملاصدرا براساس همین اصل است که «متافیزیک هستی» خود را بنا کرد. یکی دیگر از اصول فلسفه او وحدت عقل یا شعور و معقول‌بودن دانا است. بنابراین، دانش ارتباط تنگاتنگی با هستی دارد و بر وضعیت هستی شناختی دانا تأثیر می‌گذارد.

ملاصدرا شش بار پای پیاده به حج رفته بود. هفتمین بار در ۷۰ سالگی با شوق عجیبی قصد این سفر کرد. ملاصدرا در راه به خودش می‌اندیشید، به عمری که سر کرده بود، به فرصت‌هایی که از دست داده بود، به کارهایی که کرده بود: نوشتن بیش از ۵۰ کتاب و رساله، نقد و رد اصول معتبر و معروف فلسفی زمان و بنیان نهادن اصول جدید؛ پرورش تعداد زیادی شاگرد. ملاصدرا در آخرین سفر حج دچار بیماری شد و دارفانی را وادع گفت.

صدرالمتألهین شیرازی، ازجمله فیلسوفانی است که در جریان فکر فلسفی در جهان اسلام، سخن نو و تازه گفته و مسائل جدیدی مطرح کرده است. ملاصدرا با قرآن‌مجید و روایات مأنوس بود و از آنها برای حل مسائل فلسفی‌اش استمداد کرد. از ویژگی‌های ملاصدرا، ایمان راسخ وی به اصول و مبانی اعتقادی شیعه ۱۲ امامی است. وی در آثار خود در مواضع مختلف، اصول اعتقادات شیعه را تبیین کرده است.